

# جماعت تبلیغ و آثار و نتایج آن

(بخش نخست)

مکتب نصیر احمد سیدزاده  
مدرس دارالعلوم زاهدان

## مقدمه

بدون تردید اسلام دینی است جهانی و زنده و جاودانه؛ زنده است مثل خود زندگی و جاودانه است مثل واقعیت‌های طبیعی و قوانین زندگی. دینی است ساخت پروردگار عالم، پروردگاری که همه چیز را محکم و استوار آفرید: «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» (نمل ۸۸). این دین در شکل نهایی و مرحله تکاملی اش با بعثت خاتم پیامبران به ظهور پیوست و تکمیل آن در روز عرفه اعلام شد: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ». و برای تحقق و اثبات این امر امت اسلامی که آخرین امت هاست برای احیای دین در تمام زمانها و مکانها مبعوث گردید.

تاریخ این امت بیشترین فراز و نشیب‌ها را به خود دیده است، اما سؤال اینجاست که این امت چگونه توانسته است در این فراز و نشیب‌ها پا برجا بایستد و مقاومت کند و شرایط زمان و مکان را به نفع خود تغییر دهد و هر بار جانی تازه در کالبدش دمیده شود و نیرویی تازه بگیرد؟

استاد ندوی اندیشمند معاصر جهان اسلام در کتاب "رجال الفكر والدعوة" می‌نویسد: این امت با در اختیار داشتن دو نیرو توانست در مقابل این فراز و نشیب‌ها مقاومت کند و جاودانه بماند:

۱- زندگی و حیاتی که در خود کالبد اسلام نهفته است و صلاحیتی که برای زنده ماندن و ارشاد مردم در هر محیط و

جامعه و در هر عصر و مکان دارد باعث بقا و گسترش دین اسلام بوده و می‌شود.

۲- خداوند خودش که به جاودانگی و خلود این دین حکم نموده است، مردانی توانا و نیرومند در هر عصر و زمان می‌آفریند تا تعالیم این دین را در زندگی‌ها احیا کنند و تازگی و جوانی را به این امت بازگردانند.

از این روست که در هیچ عصر و زمانی امت اسلامی از مجددین در دین و ائمه در علم و نوابغ در فکر و قهرمانان در میدان جهاد و اعلام در عرصه اصلاح خالی نبوده است، آن چنان که نظیر آن هرگز در هیچ امتی یافت نخواهد شد.

گرچه خداوند برای بنیانگذاری این دین، قوم عرب و سرزمین حجاز را لایق و شایسته دید و این سعادت عظیم را نصیب آنان گردانید، اما در مراحل بعدی از عرب و عجم و تمام اقوام از هر گوشه سرزمین اسلامی در کار تحکیم، گسترش و احیای دین کار گرفته شد. بعد از سرزمین حجاز، سرزمینهای عراق، شام، ماوراءالنهر، ایران، هند و پاکستان و... هر یک به نوبه خود در راه اعتلای دین شاهکارها آفریدند و حکایتها از خود به جا گذاشتند. و این خود حکایت از آن دارد که دین اسلام مال همه اقوام و اقشار عالم است و به یک قوم و سرزمین خاص تعلق ندارد.

جالب اینجاست که دست پنهان غیب نیاز هر زمان را نیز

دقیقاً پاسخ می گوید و افرادی مناسب با شرایط آن زمان در اختیار امت قرار می دهد.

قرون اولیه حیات این امت است، مردم مشتاقانه منتظر شنیدن احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم هستند که پس از اطمینان از صحت نقل به آنها عمل نمایند، نیاز به محدثین بزرگوار احساس می شود خداوند طبقه محدثین را به میدان می آورد، امام زهری ها و بعدها امام بخاری ها و دیگر محدثین به صحنه می آیند. زمانی دیگر فرا می رسد که مردم تنها به شنیدن و نقل حدیث بسنده نمی کنند بلکه دنبال کسانی می گردند که فهم و استنباط بهتری از حدیث داشته باشند، اینجاست که ائمه مجتهدین امثال امام ابوحنیفه و امام شافعی و... به پیشواز امت می شتابند. زمانی دیگری فلسفه و منطق به اوج قدرت نمایی می رسد و اذهان را مقهور و مغلوب خود می سازد، در این زمان امام غزالی های این امت به پا می خیزند و غلبه و رونقی دیگر به دین می بخشند.

سرانجام زمانی فرا می رسد که مردم به جای حرف عمل می خواهند و در پی آنند که دین را در فضایی ملموس مشاهده و لمس کنند و از طرفی به جای حرف یک نفر حرف یک جمع ارزش و اهمیت پیدا می کند و در دلها تأثیرگذار می شود و از طرفی دیگر استعداد و پذیرش امت به پایین ترین درجه خود می رسد و نیاز پیدا می شود که از صفر شروع شود و از سر نو ایمانها ساخته شود. اینجاست که جنبشی ایمانی - عملی و فراگیر به نام نهضت دعوت و تبلیغ یا جماعت تبلیغ به برکت مجاهدتها و آه و ناله های یک عالم دلسوز به راه می افتد و یاد قرون اولیه تازه می گردد.

در این مقاله قصد داریم که از میان تلاش ها و فعالیت هایی که در جهان معاصر اسلام برای احیای دین صورت می گیرد از نهضت جماعت تبلیغ سخن به میان آوریم.<sup>(۱)</sup>

**آغاز کار جماعت تبلیغ**

چند دهه قبل تلاش ها و زحماتی برای احیای دین توسط عالمی ربانی، مخلص و دلسوز به نام

«مولانا محمدالیاس» در شبه قاره هند آغاز شد که این فعالیت ها بعداً به صورت منظم و مداوم ادامه پیدا کرد و با نام جماعت تبلیغ شهرت یافت. در کتاب «تاریخ تفکر در هند» در مورد جماعت تبلیغ چنین آمده است: «جماعت تبلیغ جنبشی است که به منظور تبلیغ به وسیله مولانا محمدالیاس کاندهلوی آغاز گردید و فعالیت تبلیغی را نه تنها در شبه قاره هند بلکه تا اقصای ژاپن، هند، چین و ایالات متحده امریکا گسترش داد.»<sup>(۲)</sup>

مولانا محمد الیاس با تلاش و کوشش و فعالیتی که برای احیای دین انجام داد قصد نداشت حرکت و یا حزب جدیدی تشکیل دهد و یاراه و روش تازه ای برای احیای دین ایجاد نماید،<sup>(۳)</sup> بلکه ایشان قصد داشت درس فراموش شده امت اسلامی را که قرنها آن را عملاً به دست فراموشی سپرده بود به امت اسلامی یاد آور شود و بار دیگر تلاش و زحماتی را که بنیانگذار این امت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و سلم برای نجات بشریت در جزیره العرب آغاز کرد در عموم امت اسلامی احیا کند و از جایی آغاز کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای اصلاح جامعه آغاز کرده بود. ایشان کوشید که آنچه را در خواص و نخبگان امت به صورت انفرادی باقی مانده بود، به شکل عمومی زمان رسول اکرم در آورد و احاد امت را با مسئولیت نیابت نبوی آشنا ساخته و به صحنه آورد.

گرچه مولانا در آغاز با تأسیس مکاتب و مدارس در منطقه میوات از توابع دهلی هندوستان خدمت دین را شروع کرد اما پس از مدتی به قول سید ابوالحسن ندوی از خدمات و اصلاحات جزئی که توسط مکاتب صورت می گرفت به تدریج نامطمئن شد و تحولی عظیم در روش کاری ایشان به وجود آمد که سرآغاز روی آوردن به یک حرکت عمومی قرار گرفت. ایشان احساس کرد که اثرات محیط بر مکاتب نیز سایه می افکند، وقتی طلاب در محیط خارج از مکاتب و مدارس قدم می گذارند، دیری نمی گذرد که خود آنها در دریای جهل و بی دینی که از چهار سو آنها را احاطه کرده است، چنان غرق می شوند که نام و نشانی از آنها باقی نمی ماند!

**☑ مولانا محمد الیاس با تلاش و کوشش و فعالیتی که برای احیای دین انجام داد قصد نداشت حرکت و یا حزب جدیدی تشکیل دهد و یاراه و روش تازه ای برای احیای دین ایجاد نماید، بلکه ایشان قصد داشت درس فراموش شده امت اسلامی را که قرنها آن را عملاً به دست فراموشی سپرده بود به امت اسلامی یاد آور شود.**

**آغاز کار دعوت در منطقه میوات و تحول در میوات**  
در جنوب دهلی منطقه ای به نام «میوات» قرار دارد که در آن قوم «میو» زندگی می کنند، مولانا الیاس پس از بازگشت از سفر حج کار دعوت را در این منطقه آغاز نمود، مردم آنجا محور اصلی دعوت مولانا الیاس قرار گرفتند و برای تشکیل هسته اولیه کار تلاشها در آنجا متمرکز شد. ایشان دیگران را نیز ترغیب می کرد که به میان مردم بروند و به آنها ارکان و اصول اولیه دین را تعلیم دهند، و با این کار می خواست به روش پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و یارانش در امر دعوت و ارشاد عمل نماید. یعنی داعی و مبلغ خودش پیش مردم برود و در مورد لاله الاالله با آنها صحبت کند. مردم با این دعوت نا آشنا بودند، تبلیغ دین برای عوام الناس سخت به نظر می رسید، اما بالاخره چند نفری این کار را آغاز کردند.

اولین بار در منطقه ای به نام نوح اجتماعی برگزار گردید، مولانا در آن اجتماع از شرکت کننده گان و حضار خواست جماعت هایی تشکیل دهند و برای تبلیغ به مناطق اطراف بروند، آنان یک ماه مهلت خواستند. بعد از یک ماه جماعتی آماده شد. مناطقی برای کار معین گردید. قرار شد که جماعت بعد از یک هفته فعالیت در روستاهای اطراف، برای اقامه نماز جمعه در شهر «گورکانده» حاضر شود و برنامه هفته آینده از آنجا مشخص شود. مولانا هر هفته خودش را به جماعت می رساند و برنامه آینده را مشخص می کرد. تا چندین مدت کار بر همین منوال در میوات ادامه داشت. از افرادی که در مراکز دینی و علمی مشغول بودند به هنگام برگزاری اجتماعات دعوت به عمل می آمد. تا چندین سال کار بر همین منوال ادامه داشت.<sup>(۶)</sup>

مولانا ندوی در کتاب نهضت دعوت و تبلیغ می نویسد:

«مولانا الیاس با استفاده از تجربه های طولانی و دقت نظر خود به این نکته پی برد که این میواتی ها در محل و محیط خود به علت گرفتاریهای شغلی نمی توانند برای یادگرفتن دین اوقات خود را فارغ کنند، همچنین مشکل است که از آنها خواسته شود

علاوه بر آن تمام افراد امت که نمی توانند به وسیله این مدارس و مکاتب از تعلیم و تربیت اسلامی بهره مند شوند. اتفاقاً در همین ایام در یکی از مسافرتها نوجوانی خدمت مولانا با ستایش زیاد معرفی شد که در یکی از مکاتب میوات تحصیل کرده بود، این جوان سیمای اسلامی نداشت و در چهره و لباس وی آثار اسلامی به چشم نمی خورد. اینجا بود که طبع حساس و غیرتمند مولانا سخت آزرده گردید و نسبت به نتیجه تلاشهای مکاتب مقداری دلسرد شد.<sup>(۷)</sup>

در همین دوران تعدادی از علماء نیز کار ارشاد و اصلاح را آغاز کرده بودند و همچنان که روش علمای حق در هندوستان است به توضیح مسائل دینی و مخالفت با بدعات و خرافات می پرداختند. اما مولانا الیاس این امر را کاملاً حس کرد که حالت این امت همچون گله گوسفندان شده است که وقتی چوپان آنها را به یک سو سوق می دهد تعدادی از گوسفندان به جانب دیگری می روند، او از آن طرف جلوییشان را می گیرد ولی بعضی از طرف دیگری سر در می آورند. حالت این امت نیز چنین شده است که هر گاه یک مسئله جزئی اصلاح شود، صدها مسائل دیگر قابل اصلاح باقی می ماند. در واقع اساس زندگی دینی از جای خود تکان خورده است.<sup>(۸)</sup>

### آغاز تحول در کار

مولانا محمد الیاس در شوال سال ۱۳۴۴ ه.ق برای ادای حج به حرمین شریفین رفت (این دومین سفر حج ایشان بود)، وقتی زمان اقامت در مدینه منوره به پایان رسید، همراهان مشاهده نمودند که مولانا الیاس به نگرانی و اضطراب عجیبی دچار شده است. خود ایشان می فرمود: در دوران اقامت در مدینه منوره در مورد کار دعوت به من امر شد و به من چنین القا شد که «ما از شما کار می گیریم»، به همین دلیل چند روزی را در اضطراب و نگرانی گذراندم. بالاخره این موضوع را با یکی از عارفان در میان گذاشتم، او فرمود: چرا نگران هستی؟ نفرموده اند که شما کاری انجام دهید بلکه گفته شده: «ما از شما کار می گیریم.» پس کارگیرنده، خود کار خواهد گرفت.

✓ در دوران اقامت در مدینه منوره در مورد کار دعوت به من امر شد و به من چنین القا شد که «ما از شما کار می گیریم»، به همین دلیل چند روزی را در اضطراب و نگرانی گذراندم.

به مدارس و مکاتب بروند و علم بیاموزند و این انتظار نیز بیهوده است که استماع پند و موعظه در زندگی آنها انقلاب و تحول بیاورد به طوری که از زندگی جاهلانه خارج شده و زندگی کاملاً اسلامی را پیش بگیرند و اخلاق، عادات و تمایلات آنها تغییر یابد. مولانا معتقد بود که برای ایجاد تحول تنها یک راه است و آن اینکه جماعت‌هایی از آنها تشکیل شود و به طرف مراکز علمی فرستاده شود؛ این جماعت‌ها در میان مردم در مورد کلمه طیبه و نماز صحبت کنند تا درسهای خودشان تکرار شود و ضمناً در مجالس اهل علم و دین شرکت نمایند و زندگی عملی و اسلامی آنها را از نزدیک مشاهده نموده عملاً تحت تأثیر قرار گیرند و در زمان هجرت و خروج با توجه کامل به خواندن قرآن و مطالعه و استماع مسائل و فضایل و سرگذشت صحابه مشغول شوند بعد از اینکه مدتی در این مدرسه سیار آموزش دیدند به مناطق خود برگردند.

اما ابتدا پیاده کردن این روش خیلی دشوار به نظر می‌رسید؛ در واقع جدا کردن مردم از کار، خانه و خانواده کار آسانی نبود. مشکل دیگری که مولانا در این راستا حس می‌کرد این بود که اگر این مردم برای بیرون آمدن آماده شوند و به مراکز دینی و علمی بروند با آنها چگونه رفتار خواهد داشت؟ با توجه به سادگی و بی‌علمی‌شان آیا اهل علم و دین بر آنها ترحم و شفقت خواهند کرد یا اینکه آنها را مورد سرزنش و عتاب قرار خواهند داد؟ و شاید عده‌ای آنها را به باد انتقاد و مسخره بگیرند؟<sup>(۷)</sup>

### تحول در میوات و اثرات و

#### نتایج این کار در نقطه آغاز:

جو دینی میوات که نقطه آغاز تمرین عملی این تلاش و جهد نبوی بود، به تدریج تغییر کرد و بر اثر مجاهدتهای این مبلغین مخلص که وسایل مورد نیاز خود در سفرها را بر دوش حمل کرده با خرج شخصی خود از یک روستا به روستای دیگر و از یک جا به جای دیگری برای احیای دین حرکت می‌کردند در مدت کوتاهی در این منطقه که قرن‌ها در تاریکی به سر می‌برد، نور ایمان و هدایت چنان

منتشر شد و دینداری چنان رواج یافت که بی‌نظیر بود. بدون تردید اگر یک دولت بزرگ اسلامی از تمام وسایل و امکانات کار می‌گرفت و با استخدام مبلغین و تأسیس مدارس و مکاتب برای نشر دین می‌کوشید، نمی‌توانست در مدت مشابهی با این موفقیت زندگی اسلامی را رواج دهد.<sup>(۸)</sup>

در اینجا باید اذعان کرد که در واقع رمز موفقیت در کار دین همان است که در قرن اول صورت گرفت؛ مجاهدان اسلحه و توشه راه خود را خودشان تهیه می‌کردند و به نیت شهادت و علاقه به رضای الهی جهاد می‌نمودند و داعیان و مبلغان با شور و شوق و تقوی و دیانت انجام وظیفه می‌کردند. آری بدون مبالغه باید گفت که حرکت و تلاش مردم در میوات نمونه ساده‌ای از تلاش داعیان قرن اول بود. به راستی اگر کسی کاروان‌های این مبلغین را می‌دید که چگونه رخت بر دوش و قرآن در بغل، در حالیکه مقداری اذوقه به همراه دارند و با زبان مشغول ذکر و تسبیح‌اند و بر چهره‌هایشان آثار شب زنده‌داری و بر پیشانی‌هایشان نشان سجده و بر دست و پایشان اثر کار و مشقت هویدا است، قطعاً برای بیننده آن تصویری بسیار خفیف از مجاهدتهای اصحاب «بئر معونه»<sup>(۹)</sup> که برای تعلیم قرآن و تبلیغ اسلام به دستور رسول اکرم حرکت کردند و شهید شدند در جلوی چشمانش مجسم می‌گردید.<sup>(۱۰)</sup>

آری مولانا الیاس معتقد بود که ترتیب درست کار دین همین است که نخست در دل‌های مردم ایمان حقیقی و قدر و ارزش دین و فکر آخرت ایجاد شود آنگاه است که صلاحیت عمل بر تمام دین به وجود می‌آید.

در میوات همین طور شد؛ در این منطقه مسائلی وجود داشت که اگر سالها کوشش می‌شد، شاید موفقیتی حاصل نمی‌گشت، بلکه نتیجه بر عکس می‌شد اما با ترتیب مذکور اینگونه مسائل به آسانی حل گردید. در سطح منطقه رغبت و علاقه به دین به وجود آمد. قبلاً تا فرسنگها مسجدی دیده نمی‌شد، اما حالا در هر روستایی مسجد ساخته شده و در مدت کوتاهی هزاران مسجد و صدها مکتب قرآن و دهها مدرسه دینی تأسیس گردید.

- ☑ مولانا
- الیاس معتقد بود که
- ترتیب درست کار دین
- همین است که نخست در
- دل‌های مردم ایمان حقیقی و قدر و
- ارزش دین و طلب آن و فکر آخرت ایجاد شود آنگاه است که صلاحیت عمل بر تمام دین به وجود می‌آید.

تفر خاصی نسبت به رسوم و فرهنگ بیگانه گان خصوصاً هندوها به وجود آمد، رسم های شرک آمیز و خلاف شریعت در عروسی ها خاتمه یافت، رباخواری تقلیل پیدا کرد، مشروب خواری از بین رفت، جرایمی از قبیل قتل و غارت تا حد زیادی کم گردید. فسادهای اخلاقی نسبت به گذشته خیلی اصلاح شد.

بعد از پیشرفت کار در میوات و تحولی که در مردم میوات به وجود آمد و افراد کارآموده و تربیت یافته به حد کافی آماده شدند، جهالت و تاریکی دور شد، مولانا الیاس تصمیم گرفت جماعت هایی از این میواتی ها را به شهرهای مختلف هندوستان بفرستد و بدین منظور جماعت هایی به شهرهای مختلف رفتند، همچنین جماعت هایی را به مراکز بزرگ علمی و دینی مانند دیوبند، سهارنپور، رائی پور و تھانه بون اعزام نمود و ضمناً به آنها توصیه کرد که در مجلس علماء و بزرگان این مناطق حاضر شوند اما در مورد کار تبلیغ چیزی نگویند، در روستاهای اطراف به دعوت و تبلیغ پردازند و در پایان هفته در مرکز روستا جمع شوند و دوباره به روستاهای اطراف تقسیم شوند. اگر بزرگان دین استفسار فرمودند توضیح دهند و گرنه چیزی نگویند.

مولانا الیاس در نامه ای به شیخ الحدیث مولانا زکریا چنین می نویسد: «آرزوی من این است که جماعت ها با رعایت اصول و آداب به خدمت مشایخ و بزرگان دین حضور یابند و از برنامه های تربیتی آنها مستفیض گردند و ضمناً در اوقات دیگر در روستاهای همجوار کار تبلیغ را انجام دهند.»<sup>(۱۱)</sup>

با تلاشهای حکیمانه مولانا الیاس علماء و اهل بصیرت کم کم در مورد این کار اطمینان پیدا کردند و تردیدها و شبهات بر طرف گردید.

حکیم الامت علامه اشرف علی تھانوی ابتداءً اشکالاتی داشت و می فرمود: وقتی این علماء که هشت الی ده سال را در مدارس دینی صرف کرده اند در کار تبلیغ و ارشاد موفق نمی شوند و بسا سبب فتنه می گردند، چگونه این میواتی های بی سواد و بی علم و تربیت نیافته از عهده چنین کاری بر می آیند؟ علت عدم اطمینان علامه تھانوی این بود

که این افراد بدون علم چگونه می توانند فرضیه تبلیغ را انجام دهند. در این خصوص علامه محدث مولانا ظفر احمد عثمانی (نویسنده مجموعه گرانسنگ اعلاء السنن)، خواهرزاده علامه تھانوی، که در جریان این کار بود خدمت ایشان توضیح داد که این مبلغین فقط همان چیزهایی را به مردم می گویند که به آنها تعلیم و دستور داده شده و در مورد مسائل دیگر بحث نمی کنند. علامه تھانوی با این توضیح نسبت به این کار مطمئن شد.<sup>(۱۲)</sup>



#### پاورقی:

- ۱- برای آشنایی کامل با نهضت ایمانی جماعت تبلیغ به کتاب نهضت دعوت و تبلیغ، تألیف: امام سید ابوالحسن علی ندوی، ترجمه مولانا محمد قاسم قاسمی، چاپ انتشارات شیخ الاسلام احمد جام مراجعه شود.
- ۲- تاریخ تفکر اسلام در هند، نویسنده: عزیز احمد، مترجمان تقی لطفی، محمد جعفری.
- ۳- ملفوظات مولانا محمد الیاس، گردآوری مولانا محمد منظور نعمانی.
- ۴- سید ابوالحسن ندوی، مولانا الیاس و نهضت دعوت و تبلیغ، ص ۶۳، مترجم مولانا محمد قاسم قاسمی، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- ۵- مرجع سابق، ص ۶۳.
- ۶- مرجع سابق ص ۶۵.
- ۷- مرجع سابق ص ۶۷.
- ۸- مرجع سابق ص ۷۰.
- ۹- نام محلی که این صحابه بزرگوار بر اثر خیانت افراد قبیله ای که برای دعوت به سوی آنها می رفتند، در آنجا به شهادت رسیدند.
- ۱۰- مرجع سابق ص ۷۱.
- ۱۱- مرجع سابق، ص ۸۶.
- ۱۲- سید محمد ثانی حسنی، سوانح یوسفی، ص ۱۲۹ المکتبه الاسلامیه کراچی.

✓ آرزوی من  
این است که  
جماعت ها با  
رعایت اصول  
و آداب به  
خدمت مشایخ  
و بزرگان  
دین حضور  
یابند و از  
برنامه های  
تربیتی آنها  
مستفیض  
گردند و  
ضمناً در  
اوقات دیگر  
در روستاهای  
همجوار کار  
تبلیغ را انجام  
دهند.



# همراه عرفات تا قدس

محمد کتر صلاح الدین خدیو - مهاباد

ژوئن ۱۹۶۷ ارتش‌های عربی را تا حدودی زایل نماید. با ورود عرفات به ساف این سازمان به تشکیلاتی معتبر، قوی و عمل‌گرا تبدیل و از طرف بیشتر کشورهای جهان به عنوان تنها نماینده قانونی فلسطین به رسمیت شناخته شد. قبل از آن ساف تحت ریاست احمد شقیری واعظ و ناطق زبردست و طرفدار ناصر، به ارگانی در دست مصری‌ها و اتحادیه عرب تبدیل شده بود تا با ایراد نطق‌های شدیدالحن و صدور بیانه‌های پرشور در سخن و روی کاغذ از حقوق فلسطینی‌ها دفاع کند. بزرگ‌ترین موفقیت ساف در این سال‌ها، سخنرانی پیروزمندانه عرفات و پذیرش فلسطین به عنوان عضو ناظر در مجمع عمومی سازمان ملل بود. در همین سخنرانی بود که عرفات به نحوی استراتژی آینده‌اش را هم ترسیم کرد. استراتژی‌ای که آمیخته با واقع بینی سیاسی بود که در آن سال‌ها و در غلبه رادیکالیسم سیاسی و گفتمان مبارزه مسلحانه، نه تنها خریدار بلکه دشمنان سرسخت و آشتی‌ناپذیری هم داشت. عرفات در آنجا با بلند کردن دست‌هایش، اعلام نمود که در یک دست سلاح یک مبارز راه آزادی و در دست دیگر شاخه زیتون صلح را دارد و از جهانیان خواست نگذارند دومی را بر زمین بگذارد. وقوع جنگ داخلی در لبنان در نیمه‌های دهه هفتاد و هر روز بیشتر فرو رفتن فلسطینیان در باتلاق آن و نهایتاً هجوم گسترده و سراسری اسرائیل به لبنان چشم انداز مبارزه مسلحانه را روز به روز تیره‌تر می‌کرد. بیروت اولین پایتخت عربی بود که به

عرفات را هر چه بنامیم، مرد مبارزه، قهرمان صلح، چریک پیر، هیچ کدام را به تنهایی نبود. او قبل از هر چیز سمبل فلسطین بود.

سمبلی بی‌بدیل و بدون جانشین. با آن چفیه معروف و سلاح کمربندی و لباس نظامی، کما اینکه اولین و آخرین باری که مردم فلسطین رهبرشان را بدون این لباس دیدند، همان سفر بی‌بازگشت آخر بود که رهاوردی جز مرگ نداشت. نخستین بار نزدیک به نیم قرن پیش در ژوئیه ۱۹۵۴، عرفات ۲۵ ساله دانشجوی پلی تکنیک، با آن چفیه مخصوصش در کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان در ورشو ظاهر شد، تا طی سخنان پرشور و حماسی از حق عضویت کشور و ملت فلسطین اطمینان حاصل کند. از همان زمان، چفیه نه تنها برای فلسطینی‌ها بلکه برای مبارزین سایر کشورها از جمله ایرانی‌ها و کردها به سمبل پیکار و مبارزه‌رهایی بخش مسلحانه تبدیل شد. ۵ سال بعد عرفات و هم‌زمانش که از بی‌عملی و ناتوانی‌های دولت‌های عربی در مبارزه با اسرائیل سرخورده و ناامید شده بودند، پایه‌های جنبش فتح را بنیان گذاشتند. ۱۰ سال بعد عرفات که اینک با نام مستعار ابوعمار برای تمامی جهان شناخته شده بود در رأس سازمان آزادیبخش فلسطین (مرکب از هشت گروه مبارز فلسطینی) قرار گرفت و جنبش فتح هم عمده‌ترین گروه آن شد. یک سال قبل از آن جنبش فتح در نبرد معروف کرامه که عرفات هم در آن شرکت داشت، شکستی سخت بر ارتش مجهز اسرائیل وارد کرده بود تا خاطره تلخ شکست سنگین